

## بازنگری حدود مداخله طراحی شهری در ابنیه معماری ایران برای تعامل با نوآوری معماری\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۷/۲۱

ندا فیضی نجفی\*\* - حمید ماجدی\*\*\*

### چکیده

مداخله طراحی شهری در ابنیه معماری ایران، موضوع چالش معماران و طراحان شهری بر سر حیطة و قلمرو حرفه‌ای آنان، طی سال‌های متمادی است. در ایران همواره کنترل ابنیه معماری راه افراط و تفریط را پیموده است. این هدایت و کنترل، گاه منجر به حذف جایگاه معمار شده است و گاهی با فقدان هدایت مناسب، عرصه و فضای شهری را به اغتشاش کشانیده است. این مقاله پس از مرور ادبیات نظری موضوع که تحت موضوعات: قلمرو و حیطة طراحی شهری، زمینه‌گرایی و کنترل طراحی شهری مطالعه شده است، به بررسی نمونه‌های موردی منتخب از خلال اقدام‌های طراحی شهری در ایران، جهت شناسایی نقاط ضعف و علل آنها می‌پردازد. با توجه به پایگاه نظری به دست آمده از ادبیات موضوع و روند فعلی موجود در ایران، به نظر می‌رسد با اصلاح سیستم اجرایی و فرآیند تحقق‌پذیری طرح‌ها، همچنین استفاده از ابزار بازنگری طراحی شهری در کنترل طرح‌ها و توجه به رشد تدریجی شهر و عدم قطعیت پیش‌بینی‌های طراحی در فرآیند طراحی شهری، چالش موجود در ایران میان معماران و طراحان شهری به حداقل برسد.

**واژگان کلیدی:** انعطاف‌پذیری<sup>۱</sup>، زمینه<sup>۲</sup>، کنترل طراحی شهری<sup>۳</sup>، معماری نوآورانه<sup>۴</sup>، فضای شهری<sup>۵</sup>.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تعامل معماری و طراحی شهری در فرآیند خلق فضای شهری در ایران" می‌باشد که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات به راهنمایی دکتر کامران ذکاوت و مشاوره دکتر حمید ماجدی به انجام رسیده است.

\*\* دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: feizinajafi@gmail.com

\*\*\* استادیار شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

## مقدمه

از زمانی که طراحی شهری به عنوان یک رشته مستقل مطرح شد تاکنون، ردپای موضوع مورد پژوهش به طور غیرمستقیم در بخش‌هایی از ادبیات نظری طراحی شهری مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های روز حرفه - دانش طراحی شهری را شکل می‌دهد. در مطالعاتی که طراحان شهری سعی در مشخص نمودن حیطة و قلمرو طراحی شهری و یا تعریف این رشته نموده‌اند، نقطه نظرات متنوعی را در خصوص جایگاه معماری و حدود اختیارات طراحی شهری در قالب دو بحث موضع مداخله طراحی شهری و یا موضوع و شیوه مداخله طراحی شهری مطرح می‌نمایند (Barnett, 1982; Gosling & Maitland, 1984).

در ادبیات نظری رشته طراحی که به معماری زمینه‌گرا، نشانه‌ها و یا معماری مونومان می‌پردازد، می‌توان موضوعاتی مرتبط یافت. تأکید بر زمینه و پیروی معماری از زمینه و یا توجه به آن در طراحی تک بنای معماری، همچنین تعریف جایگاه معماری نشانه‌ای در عرصه فضای شهری در زمره این گروه از موضوعات نظری است (Brolin, 1980; Cantacuzino, 1994).

همچنین تنوع دیدگاه‌ها در تجربیات و متون طراحی شهری که به موضوعات کنترل فضای شهری به خصوص کنترل بصری و کالبدی می‌پردازد، نیز دغدغه این موضوع را در مجامع علمی و حرفه‌ای طراحی شهری، نشان می‌دهد (Scheer & Scheer, 1998; Duany & Plater - Zyberk, 2000; Carmona, 2009).

هرچند، پاسخی قطعی و مشخص به این چالش در ادبیات نظری روز دنیا وجود ندارد ولی طرح موضوع در حوزه‌های مختلف نظری طراحی شهری ضرورت پرداختن به آن را تقویت می‌نماید. در ایران، نوظهوری فضای شهری، جدید بودن رشته طراحی شهری و اغتشاش و بی‌نظمی حاصل از ساخت و سازهای بی‌قاعده متأخر، منجر به پیدایش فضای بلا تکلیفی در خصوص کنترل و نحوه کنترل ابنیه معماری شده است که خود به چالش معماران و طراحان شهری دامن زده است. بنابراین ورود ادبیات این موضوع به دانش طراحی شهری در ایران می‌تواند راهگشای یکی از خلاءهایی باشد که طراحان شهری در چالش با معماران و در روند طراحی یک فضای شهری با آن دست به گریبان هستند.

## ۱. مرور ادبیات موضوع

مرور ادبیات موضوع تحت سه عنوان؛ وظیفه طراحی شهری و قلمرو دخالت طراحی شهری در حیطة معماری، زمینه و تقابل آن با خلاقیت معماری و ابزار کنترل طراحی شهری، بررسی شده است که شاخه‌های نظری مرتبط را تشکیل می‌دهند و در آخر نیز در راستای همین موضوع جمع‌بندی می‌شوند.

## ۱-۱- قلمرو دخالت طراحی شهری در حیطة معماری

آنچه معلوم است، برنامه‌ریزان با تخصیص منابع برای نیازهای آینده سروکار دارند و معماران فقط به اطلاعاتی توجه دارند که تک بنا به کمک آن ساخته می‌شود. در حالی که میان این دو حرفه عرصه واسط قابل توجهی وجود دارد که هیچ یک از این دو، آن را به خوبی پر نمی‌کند (Barnett, 1982). بنابراین طراحی شهری پل میان حرفه‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری است (Beckley, 1986). همچنین بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی است که با کیفیت کالبدی محیط سروکار دارد (Shirvani, 1985).

تعیین شرح وظایف و قلمرو دخالت طراحی شهری کار دشواری است. در حالی که وظیفه طراحی شهری طراحی کالبدی و فضایی محیط مصنوع است (Shirvani, 1985) در مورد حیطة و قلمرو دخالت آن دو دیدگاه وجود دارد: یکی نقش طراحی شهری را به عنوان خالق و شکل‌دهنده می‌بیند و دیگری به طراحی شهری به عنوان هدایت‌کننده فضای شهری نه خالق آن می‌نگرد. دیدگاه اول بیشتر در نقطه نظرات متقدمین این حرفه مشهود است. در حالی که دیدگاه‌های متأخر طراحان شهری را خالقان محیط مصنوع نمی‌دانند و معتقدند آن‌ها تصمیمی برای محیط می‌گیرند که دیگران را قادر به خلق و ایجاد محیط مصنوع می‌نمایند (Varikki & George, 1997). در واقع آن‌ها «قانون بازی»<sup>۹</sup> را برای معماران و سایر حرفه‌های مرتبط وضع می‌کنند (Trieb, 1974) که این قانون در قالب چشم‌اندازها، راهنماها<sup>۱۰</sup> و استانداردها<sup>۱۱</sup> مشخص می‌شود. در طراحی شهری نیت فهماندن شأن محیط مصنوع بدون طراحی جزئیات است (Shibley, 1982; Lai, 1988). از این رو طراحی شهری می‌آید تا یک نظم دهنده سطح بالاتر<sup>۱۱</sup> باشد، به این مفهوم که به طور غیرمستقیم به موضوع طراحی وابسته است و یک گام از موضوع طراحی فاصله می‌گیرد، بنابراین یک نظم دهنده ثانویه طراحی<sup>۱۲</sup> به شمار می‌آید (George, 1997).

## ۲-۱- خلاقیت معماران در تقابل با زمینه

«زمینه به مجموعه‌ای از جنبه‌های عمومی معماری، رنگ و تکرار اجزاء و عناصر کالبد اطلاق می‌شود که در کل جداره خیابان حضور دارند و عامل وحدت و هویت دادن به آن محسوب می‌شوند» (Zekavat, 2002). استقرار ساختمان‌های جدید در زمینه موجود و حفظ ساختمان‌های موجود به عنوان زمینه امروز به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده است. گروهی بر این باورند که زمینه‌گرایی واکنشی به ساخت و سازهای دوره پس از جنگ است (Cantacuzino, 1994)؛ و بعضی نیز آن را پاسخی به تعلیم و تربیت معماران دوران مدرنیسم می‌دانند (Carmona, 2009) در سیر و روند تاریخی قرن بیستم سه رویکرد در خصوص توجه یا عدم توجه معماری به زمینه مشهود است: رویکرد اول که همگام با آغاز مدرنیسم و توجه به قطع تاریخی پدیدار شد و معماران هم عصر این دوران مانند لوکوربوزیه و سایر سردمداران مدرن حامیان این دیدگاه هستند، معتقد به نادیده گرفتن زمینه با هدف ایجاد تضاد و نوآوری معماری است (Brolin, 1976). این رویکرد به موضوع طراحی معماری به عنوان یک هنر ناب توجه می‌کند و معتقد به مداخله اندک یا عدم مداخله در آنچه طراح یا هنرمند منفرد انجام می‌دهد، است. آن‌ها مانع و ظلم مضاعفی که در مقابل بروز هنر خلاقانه خود می‌بینند را از منشاء زمینه و محدودیت‌هایی می‌دانند که زمینه بر آن‌ها تحمیل می‌کند (Carmona, 2009) که نقد فراوانی را بر می‌انگیزد به عنوان مثال جان لنگ معتقد است بسیاری از آثار پُر سر و صدای معماری نقش ساختمانی را که طراحی می‌کنند در ایجاد خیابان‌های خوب نمی‌بینند، مگر این که از زمینه به عنوان پشت صحنه یک نمایش استفاده کنند. اکثر منتقدان معماری از این موضوع جانبداری می‌کنند. آن‌ها ساختمان را یک اثر هنری تلقی می‌کنند. در این دیدگاه مردم مجبور به زندگی با دستاوردهایی تحت عنوان هنر هستند (Lang, 2005). رویکرد دوم که هم‌زمان با سقوط جنبش مدرن و پیدایش تفکرات پست مدرنیسم در عرصه معماری شکل می‌گیرد. معتقد به تقدم زمینه بر معماری است. این گروه اهمیت خلاقیت در فضای شهری را مورد تردید قرار می‌دهند (Carmona, 2009) و معتقدند افراد یا گروه‌هایی که می‌توانند وضع موجود را به وسیله طرح‌های خود به چالش بکشند، در واقع در تقابل با پیروی از قواعد کلی به سوی مشکل دیگری تحت نام هنر حرکت کرده‌اند. دفاع از هنر ضرر تقابل با لذت از شهر را به بار می‌آورد (Lang, 2005). با استناد به این امر اولویت قرار دادن شهر و منظر آن در مقابل خلاقیت‌های فردی معماران، تقدم زمینه بر معماری نوآورانه مورد تأکید قرار می‌گیرد (Brolin, 1976). البته افراط در این امر مسلماً شهر را به سوی یکنواختی می‌برد و منجر به ایجاد سبک‌های تقلیدی می‌شود که فاقد روح زمان است و موجب حذف جایگاه معمار می‌شود.

رویکرد سوم حامی دیدگاه‌های تعاملی است که در نقطه نظرات طراحان شهری متأخر تبلور یافته است و با پشت سرگذاشتن تفکرات پست مدرن در ادبیات نظری روز دنیا نمود پیدا کرده است. اولویت معماری بر فضای شهری مسلماً مطلوب نیست، ولی حذف فرصت ایجاد معماری مؤلف و آوانگارد نیز غیرممکن است. آنچه احداث می‌شود باید با سایت، شرایط و عملکرد زمینه تناسب داشته باشد. اما در عین حال این معماری می‌بایست خلاقانه و نوآورانه باشد و مرزهای هنر را درنوردد (Cantacuzino, 1994). در واقع حد فاصل رویکرد اول و دوم، رویکرد سوم است که اغتشاش ناشی از عدم توجه به زمینه و یکنواختی حاصل از تکرار و تقلید زمینه موجود را به تعادل که همان غناست نزدیک می‌کند (Bently, 1985).

## ۳-۱- ابزار کنترل طراحی شهری

چالش معماران و طراحان شهری همواره زمانی به حداکثر می‌رسد که طراحی شهری سعی در کنترل و هدایت معماری دارد. در نظام شهرسازی سایر کشورها، ابزار کنترل طراحی شهری در قالب اسناد هدایت طراحی شهری<sup>۱۳</sup> و بازنگری طراحی شهری<sup>۱۴</sup> قابل شناسایی است.

نظام کنترل طراحی شهری در سایر کشورها غالباً به دو صورت مدل‌های منفصل و یا متصل با فرآیند برنامه‌ریزی انجام می‌شود (Carmona, Heath, OC & Tiesdel, 2003).

به عنوان مثال در انگلستان کنترل طراحی شهری از فرآیند برنامه‌ریزی جدا می‌باشد. در این کشور برای ارزیابی طرح‌ها از بازنگری طراحی شهری در همه سطوح، از سیاست‌گذاری در مرحله شروع طرح تا درخواست صدور پروانه، استفاده می‌شود (Hall, 1996). در آلمان و فرانسه برای پروژه‌های بزرگ طرح استراتژیک تهیه می‌شود و این طرح‌ها معمولاً در سطح محلی تکمیل می‌شوند در طرح استراتژیک اسناد هدایت طراحی شهری نقش کنترل را بر عهده دارند، ولی در برخی موارد در سطوح محلی از ابزار بازنگری طراحی شهری استفاده می‌شود (Carmona, Heath, OC & Tiesdel, 2003). در شهرهای آسیایی نیز، حاکمان محلی سعی در افزودن دستورالعمل‌های طراحی شهری به نظام پهنه‌بندی (برنامه‌ریزی) نموده‌اند که در راستای ارتقای کیفیت محیطی چندان موفق نبوده است (Punter, 1999).

در راستای به حداقل رساندن چالش میان معماری و طراحی شهری، انعطاف‌پذیری<sup>۱۵</sup> کنترل‌ها نقش مهمی ایفا می‌نماید. میزان تجویزی بودن ضوابط و یا انعطاف‌پذیری آن وابسته به سطح کنترل مطلوب است. فقدان انعطاف در راهنماها یا بازنگری طراحی شهری، تقلید و سبک‌سازی اعتبار مکان را ترغیب می‌کند (Scheer, 1994). معضلات کنترل طراحی

شهری در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود که عبارتند از: ۱- کنترل‌هایی که به موضوعات سطحی مثل رنگ حفاظها می‌پردازند که چیزی به کیفیت محیط نمی‌افزایند، ۲- کنترل‌هایی که بسیار افراطی و بی‌ملاحظه تکلیف تمام موضوعات طراحی را مشخص می‌کنند و منجر به این می‌شوند که به صورت یک فرمول عمل کنند و حضور طراح معمار را امری غیرضروری بنمایند (Scheer & Scheer, 1998). ۳- کنترل‌هایی که بدون رعایت مقیاس مداخله و تجانس با مکان استفاده می‌شوند. ۴- کنترل‌هایی که بیشتر بر تخلفات ساده تمرکز دارند تا طراحی خوب و مطلوب. همه این موارد نتیجه کاهش یا فقدان انعطاف است و منجر به کمبود تنوع، هیجان و شادی در عرصه شهری می‌شود (Gorji, 2003). بنابراین به جای آن که انعطاف‌پذیری کنترل کاهش یابد، بهتر است در کارایی و موضوعات آن تجدید نظر شود. به علاوه اگر به این موضوع توجه شود که شکل‌گیری شهر ماهیتاً تدریجی است و به یکباره به وجود نمی‌آید (Alexander, 1987)، لزوم عدم سیاست‌گذاری برای کلیه اجزای یک بنا و انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری را به همراه خواهد آورد.

به نظر می‌رسد ادبیات نظری موضوع مقاله از طرفی حاصل اتفاق نظر فلسفه نگرش گروه کثیری از طراحان شهری معاصر است که در دیدگاه وارکی جورج<sup>۱۶</sup> بدان پرداخته شده و هم‌نظراتی چون ترایب<sup>۱۷</sup>، شیروانی<sup>۱۸</sup>، شیبلی<sup>۱۹</sup> و کرمونا<sup>۲۰</sup> دارد و آن، طراح شهری را به عنوان یک نظم دهنده ثانویه<sup>۲۱</sup> در طراحی فضای شهری معرفی می‌کند و از طرف دیگر در خصوص موضوعات زمینه به دیدگاه نظریه‌پردازان متأخر استناد می‌نماید که نگاهی تعامل‌گرایانه به دو طرف موضوع دارند و آن توجه به زمینه موجود با حفظ نقش و جایگاه معمار مؤلف است. همچنین بر نظر الکساندر<sup>۲۲</sup> در خصوص ماهیت شکل‌گیری تدریجی شهر استوار است و بر این موضوع صحنه می‌گذارد که پیش‌بینی قطعی اثر مداخله طراحی شهری به علت ماهیت تدریجی بودن توسعه شهری در بیشتر موارد امکان‌پذیر نیست، بنابراین تعیین تکلیف برای همه اجزای معماری کاری عبث و دیدگاهی ساده‌انگارانه است.

## ۲. بررسی و ارزیابی روند جاری در ایران

در این بخش از مطالعات اول نظام شهرسازی ایران و جایگاه ابعاد کیفی در آن تبیین می‌شود و بعد با توجه به تنوع و پیچیدگی اقدامات طراحی شهری در ایران، این اقدامات شناسایی و دسته‌بندی می‌شود و از میان آن‌ها نمونه‌های موردی انتخاب می‌شود و پس از آن با استفاده از نتایج حاصل از مطالعه و تحلیل این نمونه‌ها، معضلات موجود در روند فعلی اقدامات طراحی شهری در ایران شناسایی و ارزیابی می‌شود.

### ۱-۲- معرفی جایگاه طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران

برنامه‌ریزی راهبردی شامل دو مرحله تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری در برگزیده مرحله دوم فرآیند مدیریت توسعه شهری در ایران با توجه به وظیفه و نقش سازمان‌ها و نهادها به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است:

۱- سیاست‌گذاری ۲- هدایت و راهنمایی ۳- تهیه طرح ۴- نظارت بر تهیه طرح ۵- بررسی و تصویب ۶- اجرا ۷- نظارت بر اجرای طرح ۸- بازنگری و اصلاح.

عناصر مداخله‌گر در نظام تصمیم‌گیری را در سه سطح ملی (وزارت کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و سازمان شهرداری‌ها)، منطقه‌ای (استانداری، سازمان مسکن و شهرسازی استان، کمیسیون‌هایی مثل کمیسیون ماده ۲۰، ماده ۱۲ و غیره) و سطح محلی (شورای اداری شهرستان، شورای تأمین شهرستان، شورای اسلامی شهر، فرمانداری و شهرداری) می‌توان دسته‌بندی کرد.

به موجب آیین نامه اجرایی «نحوه بررسی و تصویب طرح‌های توسعه و عمران محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی و مقررات شهرسازی و معماری کشور» (۱۳۷۸)، که ۲۷ سال پس از تصویب قانون شورای عالی به تصویب رسیده است، سلسله مراتب نظام بررسی و تصویب طرح‌های توسعه شهری شامل مراحل زیر است (Pirzade, 2008):

- کمیته فنی شورای شهرستان استان
- شورای شهرسازی و معماری استان
- کمیته فنی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

طرح‌های عمرانی که در نظام شهرسازی ایران تعریف شده و جایگاه قانونی دارند شامل: طرح آمایش سرزمین، طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، طرح عمران و توسعه ناحیه‌ای، طرح مجموعه شهری، طرح جامع شهر، طرح تفصیلی، طرح هادی، طرح شهرهای جدید و طرح شهرک‌ها (مسکونی، صنعتی و غیره) است (Mehdizade, 2006).

در نظام شهرسازی ایران تنها جایی که به موضوعات طراحی شهری توجه شده است، مصوبه‌ای است که شورای عالی شهرسازی در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۵ مورد طرح‌های پیشنهادی «ضوابط و مقررات پاکسازی نماها و جداره‌های شهری»، «مناسب سازی پیاده راه‌ها در معابر شهری» و «ضوابط و مقررات ساماندهی به منظر شهری» تصویب نمود. طبق این مصوبه تشکیل کمیته‌های بین بخشی به عنوان «کمیته ارتقای کیفی سیما و منظر شهری» در همه شهرها که در

سازمان مسکن و شهرسازی استان مستقر شوند، لازم گردید. این کمیته متشکل از نمایندگان شهرداری، مهندسی مشاور تهیه‌کننده طرح توسعه شهری، صنایع دستی و گردشگری استان، سازمان نظام مهندسی استان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، دو نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده‌های معماری و شهرسازی استان و سازمان مسکن و شهرسازی است. بر این اساس تصمیم‌ها این کمیته در کمیسیون ماده ۵ به عنوان نهاد مصوب طرح‌های طراحی شهری ملاک عمل قرار خواهد گرفت. این موضوع نشان می‌دهد که نقش طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران بسیار اندک و کم‌رنگ است؛ و عدم توجه به ابعاد کیفی در قوانین موجود منجر به فقدان حمایت‌های لازم برای تحقق پذیری پروژه‌های طراحی شهری می‌شود.

## ۲-۲- دسته‌بندی اقدامات طراحی شهری در ایران و انتخاب نمونه‌های موردی

در ایران شناسایی و دسته‌بندی اقدامات طراحی شهری بسیار پیچیده است، چرا که از طرفی، عمر رشته طراحی شهری در این کشور کوتاه است و از طرف دیگر بسیاری از اقدام‌هایی که تحت عنوان طرح‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، طراحی محیطی، معماری منظر و حتی معماری انجام می‌شود، ماهیتاً طراحی شهری است. همچنین بسیاری از طرح‌هایی که با عنوان طراحی شهری تعریف می‌شود، با این رشته فاصله زیادی دارد. این بخش از مطالعه برای دسته‌بندی اقدامات طراحی شهری در ایران با هدف شناسایی نمونه‌های موردی منتخب انجام شده است. به نظر می‌رسد اقدامات طراحی شهری در ایران را می‌توان براساس معیارهای زیر دسته‌بندی نمود:

- ۱- تحقق یافتگی؛
  - ۲- نوع توسعه شامل: توسعه میان‌افزا<sup>۲۳</sup> (توسعه درون بافت موجود مانند ساماندهی یک فضای شهری موجود)، توسعه الحاقی (ایجاد توسعه جدید در کنار بافت موجود مثل اراضی آماده سازی متصل به شهر یا تخریب و نوسازی یک حوزه شهری) و توسعه جدید<sup>۲۴</sup> (احداث حوزه جدید شهری).
  - ۳- مقیاس اقدام‌ها که شامل سه سطح کلان، میانی و خرد است.
  - ۴- حوزه تسلط فضای شهری که به میزان اهمیت و سرویس دهنده‌گی آن فضا در سطح شهر باز می‌شود.
  - ۵- توسعه براساس دیدگاه فرآیند<sup>۲۵</sup> محور یا فرآورده<sup>۲۶</sup> محور.
  - ۶- اقدام‌های طراحی شهری که طراحی آن توسط تیم‌های معماری صورت می‌گیرد و یا تیم‌های طراحی شهری عمده‌دار آن هستند.
  - ۷- اقدام‌های طراحی شهری که از آن‌ها با عنوان طراحی شهری نام برده نمی‌شود، ولی ماهیتاً به موضوع طراحی شهری می‌پردازند.
  - ۸- دسته‌بندی براساس نتیجه و محصول فرآیند طراحی که شامل متن، الگوی سه بعدی و یا هر دو به صورت توأمان باشد.
  - ۹- دسته‌بندی توسعه‌های بزرگ یکپارچه (که در آن کارفرما همان مجری طرح نیز می‌باشد) به دو دسته یکی آن‌هایی که بر پایه یک پروژه طراحی شهری شکل گرفته‌اند و یا بدون طراحی شهری هستند.
  - ۱۰- تصمیماتی که در قالب آیین‌نامه‌ها، تصمیم‌های کمیته‌های تخصصی و غیرتخصصی گرفته می‌شود و بر سرنوشت فضاهای شهری تأثیر می‌گذارد.
  - ۱۱- بینش و آگاهی کارفرمایان، از این نظر که آیا نسبت به روند طراحی و شکل‌گیری فضای شهری اشرافی وجود دارد یا خیر.
- برای شناسایی و تحلیل نمونه‌های موردی، از طرفی دسته‌بندی نمونه‌ها براساس وجه تمایز آن‌ها حائز اهمیت است و از طرف دیگر به دلیل ماهیت کیفی پژوهش، مرزبندی واضح و مشخصی نمی‌توان برای موضوعات در نظر گرفت ولی تکنیک تحلیلی باید متناسب با کیفی بودن موضوع پژوهش باشد. همچنین به نظر می‌رسد همه گونه‌های پروژه‌های طراحی شهری موجود، فارغ از هر نوع دسته‌بندی همگی نوعی از توسعه محسوب می‌شوند. بدین ترتیب که یا توسعه‌ای جدید هستند یا توسعه میان‌افزا و یا توسعه الحاقی.
- پس از بررسی ۳۲ نمونه موردی مرتبط با موضوع پژوهش، ۹ مورد از میان آن‌ها انتخاب شده است که برجسته‌تر هستند و تنوع موضوعی بیشتری را تأمین می‌نمایند. از میان توسعه‌های جدیدی که در ایران احداث شده‌اند سه شهر جدید بهارستان، پرد و پولادشهر انتخاب شده است. از بین معدود توسعه‌های الحاقی تحقق یافته در ایران سه توسعه شوشتر، نو، بزرگراه نواب صفوی و خیابان صاحب‌الزمان مشهد انتخاب شده‌اند و از میان توسعه‌های میان‌افزا به سه پروژه خیابان انقلاب تهران، خیابان چارباغ اصفهان و خیابان امام خمینی بزم پرداخته شده است.
- جدول ۱ وضعیت پروژه‌های طراحی شهری منتخب را در قالب دسته‌بندی اقدامات طراحی شهری معرفی شده در بالا، نشان می‌دهد.

جدول ۱: شناسایی نمونه‌های موردی منتخب از خلال اقدام‌های طراحی شهری در ایران

نوع توسعه	جدید			الحاقی			میان افزا		
	شهر جدید چهارستان	شهر جدید پرد	شهر جدید پودشهر	شوشتر نو	بزرگراه نواب صفوی	خیابان صاح الزمان در کنار میدان شهدا مشهد	خیابان انقلاب تهران	خیابان چارباغ اصفهان	خیابان امام خمینی بم
تحقق یافتگی	تحقق یافته	*	*	*	*	*			
	نیافتگی					در حال اجرا	*	در حال اجرا	*
مقیاس	کلان	*	*	*					
	میانی				*		*	*	*
	خرد					*			
حیطه عمل و تسلط	کلان				*		*	*	*
	میانی				*		*		
	خرد								
محوریت	فرآورده محور			*	*	*		*	
	فرآیند محور	*	*				*		*
نتیجه طرح	متن	*	*						
	الگوی سه بعدی			*	*	*		*	
	متن و الگوی سه بعدی						*	*	*
حرفه طراحان	معمار	*		*	*	*		*	
	طراح شهری		*				*	*	*
توسعه بزرگ یکپارچه	بدون طراحی شهری	*	*					*	
	بر پایه طراحی شهری			*	*	*	*		*

### ۳. بررسی نمونه‌های موردی و شناسایی ریشه‌های چالش معماران و طراحان شهری

کنکاش و بررسی نمونه‌های موردی با هدف شناسایی نقاط چالش برانگیزی شکل می‌گیرد که معماری و طراحی شهری را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد.

روند شکل‌گیری شهرهای جدید بر پایه طرح جامع است که معمولاً پس از تقسیم شهر به حوزه‌های مختلف، برای هر یک از این حوزه‌ها طرح آماده‌سازی تهیه می‌شود. سه شهر جدید بهارستان، پرند و پولادشهر با طرح‌های جامع و آماده‌سازی شکل گرفته است ولی اقداماتی که سیمای کنونی این شهرها را شکل می‌دهد از نوع اقدامات طراحی شهری است.

اصلی‌ترین عاملی که سیمای شهر بهارستان را شکل می‌دهد، کنترل عناصر ظاهری بنا با تأکید بر مصالح، به عنوان کلید هدایت سیمای شهر به سوی یکپارچگی است. این موضوع چهره شهر بهارستان را از مرز ایجاد هماهنگی به سوی یکنواختی خسته کننده سوق می‌دهد که حاوی کیفیت مطلوب نبوده و در کنار سایر عوامل مثل عدم تعریف نبش‌ها به عنوان استثنائات موقعیتی مراکز واحد همسایگی یکسان، اجرای ضوابط طرح جامع در همه جای شهر و غیره، منجر به ایجاد محدودیت برای شکل‌گیری معماری نوآورانه شده است. حال آن‌که این ایجاد محدودیت هویت ویژه‌ای را به ارمغان نیاورده است. بهارستان نمونه ایجاد زمینه یکنواخت در یک توسعه شهری جدید است. به نظر می‌رسد در شهر جدید پرند این محدودیت‌ها اعمال نشده هر چند که در پرند نیز سیمای شهری با ضوابط طرح جامع کنترل می‌شود ولی به دلیل این که هر یک از فازها به یک یا چند تعاونی انبوه‌ساز سپرده شده است در کل، توسعه‌ای مشاهده می‌شود که به سوی اغتشاش حرکت می‌کند ولی در هر یک از فازها تکرار یک الگوی واحد منجر به ایجاد یکنواختی در سطح خرد شده است. بنابراین فقدان برنامه و چشم انداز کلان برای سیمای شهر جدید پرند منجر به شکل‌گیری توسعه جدیدی شده است که از همین ابتدا شهر را به سوی ناهماهنگی و اغتشاش سوق می‌دهد. معمار در طراحی تک بنا در شهر جدید پرند با کنترل‌هایی مواجه می‌شود که افراط بی‌دلیل را به همراه دارد و در نهایت نیز منجر به ایجاد هماهنگی و کیفیت مطلوب نمی‌شود.

در میان شهرهای جدید، شهر پولادشهر در این زمینه از سایرین موفق‌تر بوده است. چراکه در طراحی اولیه آن، تنوع الگوهای مسکن برای افشار مختلفی که به عنوان ساکنان شهر شناسایی شدند، در نظر گرفته شد. این تنوع در زمینه موجود موجب شد تا معماران با محدودیت کمتری طراحی نمایند، هرچند که در فازهای اخیر این شهر نیز، یکنواختی خسته کننده و عدم هماهنگی با الگوهای ساخت و ساز قبلی مشهود است ولی ساخت و سازهای اولیه حاوی کیفیت مطلوب بوده است و هدایت کنترل از جزئیات به سمت گونه‌های معماری، تا حدودی موفقیت سیمای شهری را تأمین نموده است و با استفاده از قابلیت‌های معمار، شهر به سمت کیفیت مطلوب هدایت شده است.

شوشترنو به عنوان توسعه‌ای که در الحاق به یک شهر تاریخی با هویت شکل گرفته از نظر طراحی اجزای معماری یک نمونه ارزشمند است، ولی به دلیل اینکه این توسعه از ماهیت فرآیند گونه شکل‌گیری توسعه شهری فاصله گرفته و توسعه شهری را به صورت یک فرآورده دیده که باید برای همه اجزای آن تعیین تکلیف شود، فاقد انعطاف لازم برای شکل‌گیری یک تک بنای معماری است. به نظر می‌رسد اگر تنوع زمینه در نظر گرفته می‌شد، شاید چالش‌های معماران در طراحی آینده نیز کمتر می‌شد. همچنین نگاه فرآورده محور به موضوع طراحی شهری منجر به ایجاد یک معماری بزرگ مقیاس و یکپارچه می‌شود که همه اجزای آن از پیش تعیین شده است و جایی برای قابلیت‌های معمار جدید باقی نمی‌گذارد. همچنان که در بزرگراه نواب صفوی نیز با شکل‌گیری یک معماری بزرگ مقیاس و یکپارچه با فقدان تنوع، انعطاف لازم و دیکته موضوعاتی که ظرف زمانی مشخص دارد به چالش معمار و طراح شهری دامن می‌زند و در طول زمان رنگ کهنگی به خود می‌گیرد.

خیابان صاحب الزمان مشهد نیز به دلیل ماهیت تخریب و نوسازی تا حدودی در زمره پروژه‌های بزرگ مقیاسی است که به یکباره در یک حوزه شهری شکل می‌گیرد ولی به دلیل آن که این خیابان بر پایه یک پروژه طراحی شهری شکل گرفت با معضلات کمتری روبرو شده است. بررسی اسناد کنترل طراحی شهری در این پروژه از طرفی حاکی از بالا بودن حد تجویز و الزام‌آور بودن اسناد دارد و از سوی دیگر پرداختن به جزئیات طراحی و تعریف همه ابعاد طراحی برای معماران، معمار تک بنا را با معضلات و چالش‌هایی روبرو می‌کند. در واقع ریشه چالش معمار و طراح شهری در این پروژه ناشی از عدم رعایت حیطه و قلمرو و نزدیک شدن بیش از حد به موضوع طراحی از سوی طراح شهری است.

خیابان انقلاب تهران به عنوان نماینده‌ای از پروژه‌های طراحی شهری است که به علت فقدان جایگاه قانونی و ضمانت اجرایی هیچ‌گاه تحقق نمی‌یابد. بنابراین بازخوردهای عکس‌العمل معماران به کنترل‌های طراحی شهری را در این پروژه نمی‌توان بررسی نمود. در خیابان امام خمینی نیز همین عدم تحقق‌پذیری مشهود است ولی با بررسی و مقایسه اسناد این دو پروژه، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه هر دو در یک زمینه نسبتاً ارزشمند شکل گرفته‌اند، خیابان انقلاب در ایجاد کیفیت مطلوب از خیابان امام خمینی موفق‌تر است چرا که عناصر اصلی هویت‌زا برای حفظ هویت زمینه تشخیص داده شده، ولی در خیابان امام خمینی بم بیشتر به جزئیات پرداخته شده و اسناد کنترل بر پایه جزئیاتی مانند مصالح، رنگ، شکل پنجره و مواردی از این قبیل است که در اکثر موارد علاوه بر اینکه هویت زمینه را تضمین نمی‌کند، برای معمار نیز ایجاد محدودیت می‌نماید.

بدنه‌سازی خیابان چارباغ اصفهان نیز به این روش در حال انجام است که یک الگوی واحد برای کلیه بناهای جبهه شرقی خیابان چارباغ عباسی در نظر گرفته شده و همان ساخته می‌شود. در واقع این پروژه نیز به سوی پروژه‌های بزرگ مقیاس یکپارچه‌ای سوق داده می‌شود که همه ابعاد و جزئیات در آن در نظر گرفته شده است.

#### ۴. دستاوردهای بررسی و تحلیل نمونه‌های موردی

آنچه از مطالعه نمونه‌های موردی منتخب منتج می‌شود، حاکی از چالش بزرگی میان معماری و طراحی شهری در ایران است. با تعمق و بررسی بیشتر در اسناد نمونه‌های موردی سه عامل بنیادین در راستای این چالش بزرگ شناسایی شده است.<sup>۲۷</sup> اول، چالش ناشی از ضعف جایگاه قانونی طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران و اثر آن بر روی کنترل تک بنای معماری. دوم، کنترل‌های بیش از حد تجویزی فارغ از مقیاس، نوع و ماهیت توسعه شهری و سوم، وجود کنترل همه جانبه و تعیین تکلیف تا حد جزئیات یک بنای معماری است.

پی‌آمدهای ضعف جایگاه قانونی در نظام شهرسازی ایران، در نهایت منجر به چالش میان معماری و طراحی شهری می‌شود، چرا که در نظام شهرسازی ایران که مبنای قانونی آن طرح جامع و تفصیلی است، از طرفی ظرفیتی برای درک، شناسایی و کنترل جنبه‌های کیفی شهر وجود ندارد و حاصل آن اولویت جنبه‌های کمی بر جنبه‌های کیفی در طرح‌های شهری است، همچنین به دلیل فقدان هماهنگی ابزارهای قانونی و رسمی شهرسازی ایران با لایه‌های کیفی شهر، از ابزارهای کمی برای کنترل کیفی استفاده می‌شود. این مهم کنترل تک بنای معماری را به سمت ساده‌اندیشی سختگیرانه می‌برد، تا با ابزارهای کمی کنترل هماهنگ سازد. این جهت‌گیری با خلاقیت که اصل جدایی‌ناپذیر طراحی معماری است مغایرت دارد. بنابراین چالش برانگیز خواهد شد.

از طرف دیگر نقش طراح شهری را در عرصه فضای شهری تضعیف می‌نماید. که خود منجر به حذف دیدگاه تعامل‌گرایانه می‌شود. حتی اگر این تعیین تکلیف به صورت یک معماری بزرگ و یکپارچه و از سوی معماران انجام شود (به دلیل این که در این نوع پروژه‌ها همه چیز از قبل تعیین شده است) جایگاه معماری نوآورانه را نیز حذف می‌نماید، مانند اتفاقی که در شوشترنو و نواب افتاده است.

بالا بودن حد تجویز در کنترل‌های طراحی شهری در ایران که خود یکی از عمده‌ترین دلایل بروز چالش بزرگ میان معماران و طراحان شهری در این کشور است. بنابر دلایل متعددی بروز نموده است. در ایران با پایان یافتن فرآیند طراحی یک پروژه طراحی شهری، کار تیم طراحی به پایان می‌رسد، در حالی که بسیاری از اتفاقات در فرآیند تحقق‌پذیری طرح نمود پیدا می‌کند که نیازمند تصمیم‌گیری است. بنابراین عدم اطمینان به سیستم مجری طرح و ناکارآمدی آن در بسیاری موارد منجر به تجویزی شدن کنترل طراحی شهری و تأکید مشخص بر مواردی است که ممکن است سرنوشت طرح را در دراز مدت تغییر دهد. دیگر آن که پایین بودن حد تجویز منجر به سوء استفاده از قوانین می‌شود که آن نیز سرنوشت طرح را تغییر می‌دهد. حال آن که اگر بستر مطمئنی در فرآیند تحقق طرح‌ها فراهم شود. چه بسا تصمیمات معقولانه در این روند در بسیاری موارد منجر به قراردادادن فرصت نوآوری برای معماران شود، که در نهایت کیفیت محیط شهری را نیز ارتقاء خواهد داد.

اثر غیرقابل انکار تصمیم‌های غیرمتخصصانه بر چهره شهرها چه از دخل و تصرف کارفرمایان غیرمتخصص و چه از جانب طراحی تک بناها از سوی سازندگان، کنترل‌های بیش از حد تجویزی را بر روی تک بناهای معماری تقویت می‌نماید. مانند خیابان امام خمینی بم و خیابان صاحب‌الزمان مشهد. حال آنکه به نظر می‌رسد با اصلاح عوامل مؤثر بر فرآیند تحقق‌پذیری طرح‌ها این معضل به حداقل خواهد رسید.

سوم اثرات ناشی از کنترل‌های همه جانبه تا حد جزئیات معماری است، که نتیجه عدم اطمینان به آینده طرح با توجه به روند موجود در ایران است و تردید در خصوص شکل‌گیری معماری در راستای اهداف پروژه تهیه شده و همین‌طور وجود طرح‌های بزرگ و یکپارچه‌ای که حاصل آن کنترل همه جانبه، تعیین تکلیف در همه ابعاد و طراحی تا حد جزئیات معماری است. عدم توجه به ماهیت رشد تدریجی در توسعه‌های شهری در ایران نیز یکی دیگر از عواملی است که منجر به کنترل همه جانبه می‌شود، درحالی که در طرح‌های شهری لازم است به دو فاکتور زمان و مکان توجه شود و انعطاف لازم جهت رویارویی با نامعلومی‌ها و عدم قطعیت پیش‌بینی‌های مرسوم در فعالیت برنامه‌ریزی را داشته باشند. ضمناً نباید فراموش شود که توقعات کارفرمایان نیز بر این موضوع اثر می‌گذارد. در بسیاری از پروژه‌های طراحی شهری کارفرما سرنوشت طرح را به سمت کنترل همه جانبه و تعیین تکلیف در همه ابعاد هدایت می‌کند.

بنابراین اصلاح روند موجود در ایران و بسترسازی از عوامل بسیار مهمی است که باید در راستای به حداقل رساندن این چالش در کنار مطالب ذکر شده پیش مورد توجه قرار گیرد.



## ۵. جمع‌بندی

با توجه به یافته‌های ادبیات نظری پژوهش که کلید برقراری تعامل و به حداقل رساندن چالش میان معماران و طراحان شهری را در سه دسته طراح شهری به عنوان یک نظم دهنده ثانویه در طراحی، برقراری تعامل میان زمینه‌گرایی و نوآوری معماری و توجه به رشد تدریجی شهر طبقه‌بندی می‌نماید. شرایط فعلی ایران نیز مواردی را دیکته می‌نماید که طراحی شهری را به سمت بیش از حد تجویزی نمودن کنترل‌ها برده است به نظر می‌رسد برای دستیابی به شرایط بهتر برای بروز خلاقیت معماران و بالا بردن سطح کیفی فضای شهری، ایجاد اصلاحات هم در نگرش شکل دهندگان فضای شهری و هم سیستم و نظام شهرسازی کشور لازم است تا بتوان تعامل میان طراح شهری و معمار را برقرار نمود.

بنابراین نتایج حاصل نیز تحت سه موضوع زمینه‌گرایی طراحی شهری، ابزار کنترل طراحی شهری و توجه به بُعد ماهوی طراحی شهری قابل نتیجه‌گیری است. در ایران تعدیل نگرش اولویت زمینه‌گرایی و ایجاد فرصت برای ارائه معماری مونومان و خارج از زمینه و پرهیز از تقلید زمینه موجود در آثار معماری، انعطاف‌پذیر نمودن ابزار کنترل و توجه به ماهیت کیفی طراحی شهری در مقابل کمیت‌گرایی، اصلاح سیستم تحقق‌پذیری طرح با استفاده از ابزار بازنگری طراحی شهری، ارتقاء مهارت حرفه‌ای مجریان و کاهش اثر اشخاص بر سرنوشت طرح‌ها و تشکیل تیم‌های تخصصی در بدنه اجرایی، پرهیز از طرح‌های بزرگ مقیاس و یکپارچه، از یافته‌های پژوهش هستند که جدول زیر به معرفی و دسته‌بندی این یافته‌ها می‌پردازد.

جدول ۲: معرفی و دسته‌بندی یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی		موضوع مورد توجه	چارچوب نظری
اصلاح روند موجود در ایران	اصلاح روش مداخله طراحی شهری		
اصلاح دیدگاه زمینه‌گرایانه مطلق در ایران	توجه به گونه‌شناسی زمینه به جای کنترل ظاهری بنا	زمینه‌گرایی	
	توجه به شخصیت معماری مکان در ازای تقلید معماری زمینه		
	ایجاد فرصت برای ارائه معماری مونومان و خارج از زمینه		
تقویت جنبه‌های کیفی نسبت به جنبه‌های کمی در ابزار کنترل	تقویت جایگاه قانونی طراحی شهری در نظام شهرسازی ایران	تناسب میزان نحوه مداخله طراحی شهری با مقیاس توسعه	طراحی شهری یک نظم ثانویه در طراحی است Second - order design
پرهیز از کنترل‌های کمیت‌گرایانه برای موضوعات کیفی			
استفاده از بازنگری طراحی شهری در کنار راهنماها	کاهش حد تجویز	استفاده از ابزار کنترل انعطاف‌پذیر	ابزار کنترل طراحی شهری
همراهی تیم طراحی (مشاور طرح) در فرآیند تحقق‌پذیری	اصلاح سیستم اجرایی	کاهش حد تجویز در کنترل طراحی شهری	
ارتقای مهارت حرفه‌ای مجریان طرح با آموزش و یا جایگزینی افراد ذی‌صلاح	اصلاح سیستم اجرایی	توجه به ماهیت فرآیندگونه طراحی شهری	توجه به بُعد ماهوی شهری
کاهش اثر اشخاص (کارفرمایان) بر فرآیند طراحی شهری و جایگزینی آن با گروه‌های تخصصی			
تغییر دیدگاه کارفرمایان و توجه دادن آن‌ها به موضوع عدم قطعیت پیش‌بینی‌های طراحی			
پرهیز از یکمربگی و پرهیز از ساخت پروژه‌های معماری بزرگ مقیاس و یکپارچه		طراحی شهری تا سطح تعریف ابعاد کوچک تغییرات رشد	

1. Flexibility
2. Context
3. Urban design control
4. Creative architecture
5. Urban Space
6. Contextual Architecture
7. Rule of the game
8. Visions
9. Guidelines
10. Standards
11. Higher - order
12. Second – order design
13. Urban design guidance
14. Urban design review
15. Flexibility
16. Varkki George
17. Trieb
18. Shirvani
19. Shibley
20. Carmona
21. Second - order
22. Alexander
23. Infill development
24. New development
25. Process
26. Product

۲۷. البته واضح است، کاستی‌هایی که در ادبیات نظری مطرح شد و فقدان توجه به موضوعات مطرح شده در ایران نیز نمایان است، ولی روند موجود در ایران بر روی این چالش آثار دیگری نیز به جای می‌گذارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

## References

- Alexander, Christopher. (1987). *A New Theory of Urban Design*. New York: Oxford University Press.
- Barnett, Jonathan. (1982). *An Introduction to Urban Design*. New York: Harper and Row.
- Beckly, Robert. M. (1986). *Urban Design in Catanese and Snyder*. op. cit.
- Bently Ian and others. (1985). *Responsive Environments: a Manual for Designers*. London: The Architectural Press.
- Brolin, Brent. (1976). *The Failure of Modern Architecture*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Brolin, Brent. (1980). *Architecture in Context: Fitting New Building with Old*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Cantacuzino, S ., The Royal Fine Art Commission. (1994). What Makes a Good Building?. *In Urban Design Reader*, 199-203.
- Carmona, Matthew. (2009). *Design Coding and the Creative, Market and Regulatory Tyrannies of Practice*. From <http://usj.sagepub.com/cgi/content/abstract/46/12/2643>.
- Carmona, Matthew., Tim Heath, Tanner oc., and Steve, Tiesdell. (2003). *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. Oxford: Architectural Press.
- Case scheer, Brenda. (1994). The Debate on Design Review. *In Urban Design Reader*, 344-352, Oxford: Architectural Press.
- C. Scheer, Brenda., and David R, Scheer. (1998). *Typology and Urban Design Guidelines: Preserving the City without Dictating Design. Nineteenth century urban morphology*. (Attila .Ptruciolli, Eds.) Agakhan series Cambridge, MA.
- Duany, Andres., and Elizabeth Plater- Zyberk with Jeff Speck. (2000). *Suburban Nation: The Rise of Sprawl and the Decline of the American Dreams*. New York: North Point Press.

- Gosling, D., and B, Maitland. (1984). *Concepts of Urban design*. Landon: Academy Editions.
- Hall, A. C. (1996). *Design Control: toward a new approach*. Oxford: Butterworth Architecture.
- Lai, Richard. (1988). *Law in Urban Design and Planning*. New York: Van No strand Reinhold.
- Lang, John. (2005). *Urban Design: A Typology of Products*. Sydney: University of New South Wales.
- Mehdizade, Javad., and others. (2006). *Planning of Urban Development Strategy*. Tehran: The Administration of Housing and Urban Planning.
- Pirzade, Hosein. (2008). *Correcting Urban Management in Iran*. Tehran: The Administration of Housing and Urban Planning.
- Punter, John. (1999). *Design Guidelines in American Cities: A Review of Design Policies and Guidance in Five West Cast Cities*. Liverpool University press.
- Shibley, Robert. (1982). Urban design as performing art. (M. Pittas., & A. Ferebee, Eds.). Education for Urban Design, Boston: MA, Hutchinson Ross.
- Shirvani, Hanaid. (1985). *the Urban Desist Process*. New York: Van No strand Reinhold.
- Stein, Clarence. (1955). *Unpublished Notes on Urban Design*. University of Pennsylvania (mimeographed).
- Trieb, Michael. (1974). *Stadtgestaltung Theories und praxis*. Dusseldorf: Bertelsmann Fachvelage Macdonald.
- Varikki, George. R. (1997). A procedural Explanation for Contemporary. *In Urban Design Reader*, 52-58, Oxford: Architectural press.
- Zekavat, kamran. (2002). Streets architecture and identity of urban aspect in Iran. *Esfahan: Danesh Nama*, 102and 104.